فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۹، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۳، شماره پیاپی ۱۱۵
احمد عابدی سروستانی، استادیار دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان
A. Abedi Sarvestani, Ph.D

شماره مقاله: ۹۸۲ صص: ۴۲-۲۷
وصول: ۹۲/۱۲/۵ پذیرش: ۹۳/۷/۳
E-mail: abediac@yahoo.com

واکاوی کوچ زودرس بهاره عشایر استان فارس

چکیده

زندگی عشایر مبتنی بر کوچ مستمر به منظور تأمین علوفه دام از مراتع و دسترسی به شرایط مساعد آب و هوایی است. این روش زندگی دارای سابقه طولانی در ایران است که متناسب با شرایط اقلیمی شکل گرفته است. در سده اخیر تحوّلات زیادی در شیوه زندگی سنتی عشایر به‌وجود آمده است؛ به نحوی که عشایر کارکرد گذشته خود را ندارند. از جمله این تحوّلات می‌توان به تغییر زمان حرکت و کوچ عشایر اشاره کرد که اغلب به ورود زودهنگام دام به مراتع و تخریب آن می‌انجامد. با عنایت به این مهم، مقاله حاضر به ارائه نتایج یک تحقیق پیمایشی می‌پردازد که با هدف بررسی کوچ و ورود زودهنگام عشایر فارس به مراتع ییلاقی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند ورود زودهنگام عشایر به مراتع ییلاقی عمومیت دارد و میانگین آن در بین سه ایل قشقایی، خمسه و ممسنی به ترتیب برابر ۱۷/۵، ۲/۱ و ۴۱/۴ روز و در مجموع، میزان متوسط آن ۱۲/۸ روز است. همچنین، اغلب عشایر دام‌های خود را به صورت پیاده از قشلاق به سمت ییلاق کوچ می‌دهند و این روش در مقایسه با انتقال دام با ماشین، به کاهش ورود زودهنگام دام به مراتع ییلاقی می‌انجامد. نتایج مطالعه حاضر نشان داد عشایر در هنگام کوچ احساس امنیت کافی ندارند و از نظر آنان، گیاه بهمن و همچنین، خشکسالی می‌تواند به ترتیب ۱۸ و ۲۶ روز کوچ را به جلو اندازد. در مجموع، از دید عشایر، مهمترین عامل در کوچ زودرس، به ترتیب کمبود آب و کمبود علوفه برای دام است. صیانت از ایل‌راه‌های عشایری، گماشتن قرقبان برای مراتع ییلاقی، افزایش تأمین امنیت کوچ، ایجاد اتراقگاه‌های موقت در مسیر کوچ به منظور تأمین خدمات حمایتی دام، انجام اقدامات لازم برای کنترل گیاه بهمن در مراتع قشلاقی، تأمین آب مورد نیاز عشایر با روش‌های مناسب و تأمین بخشی از علوفه مورد نیاز دام در سال‌های خشکسالی از پیشنهادهای این پژوهش برای کنترل کوچ زودرس عشایر است.

واژه‌های کلیدی: کوچ، عشایر، مراتع ییلاقی، فارس.

مقدمه

زندگی مبتنی بر کوچ و مرتعداری نوع خاصی از معیشت در مناطق خشک و نیمه خشک جهان محسوب می‌شود که بر مبنای رمه‌گردانی و بهره‌برداری از مراتع و علفزارهای طبیعی قوام یافته است. تخمین زده می‌شود که بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون نفر در دنیا به این روش زندگی کنند (گراهن، ۲۰۰۸). سابقه این نوع زندگی در ایران به حدود ۸ هزار سال پیش برمی‌گردد (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۹۲). از آنجا که معاش عشایر به دام متکی است، ناچارند برای تأمین علوفه مورد نیاز از

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-02]

مراتع و همچنین، دوری از گرما و سرمای طاقت‌فرسا، به کوچ بین دو ناحیه به نام ییلاق و قشلاق اقدام کنند. به همین علت، عشایر را کوچ‌نشین نیز می‌نامند. طبق تعریف، کوچ‌نشینی نوعی از زندگی است که در آن انسان از راه پرورش حیوانات و با برخورداری از فرآورده‌های کشاورزی زیست می‌کند و در پی چراگاه‌های طبیعی، سالیانه از محلی به محل دیگر نقل مکان می‌کند (امان‌الهی بهاروند، ۱۳۸۳: ۱۵۷). بدین ترتیب، مهمترین ویژگی‌های کوچ‌نشینی عبارتند از: وابستگی انسان به حیوان، استفاده از چراگاه‌های طبیعی و جابه‌جایی انسان و دام به منظور بهره‌گیری از چراگاهای طبیعی و احتراز از سرما و گرمای شدید (نیک‌خلق و عسکری‌نوری، ۱۳۷۷). بنابراین، دام، مرتع و کوچ، سه رُکن اصلی تداوم حیات انسان کوچ‌نشین را تشکیل می‌دهند (مشیری، ۱۳۷۲: ۳۳). پایه فعالیت عمده اقتصادی و شیوه معیشت عشایر بر پرورش دام بنا شده است و دوام دامداری سنتی مستلزم کوچ مستمر است. بنابراین، دامداری و کوچ در ارتباط متقابل هستند. بدون کوچ، رمه‌داری در سطح وسیع (از نظر کمّی و کیفی) امکان‌پذیر نیست و کمّیت و کیفیت مرتع نیز تعیین‌کننده تعداد دام در چرای نسبی در مناطق ییلاقی و قشلاقی است. همچنین، کوچ می‌تواند تضمینی برای استفاده از منابع و کاهش اثرهای خشکسالی باشد و از نظر اقتصادی کارآمدتر از مرتعداری ساکن است. علاوه بر این، کوچ دارای مزایای اکولوژیک است؛ زیرا باعث استفاده دوره‌ای از مراتع می‌شود که در غیر این صورت و با چرای مستمر مراتع، ضمن کاهش پوشش گیاهی و گونه‌های خوش‌خوراک، فشردگی خاک افزایش می‌یابد و به تخریب مراتع منجر خواهد شد (نمیر-فولر، ۱۹۹۹)؛ برای مثال، می‌توان به وضعیت نامناسب مراتع روستایی در مقایسه با مراتع عشایری در ایران اشاره کرد که یکی از دلایل آن، استفاده مستمر از آنها به دلیل دسترسی دائمی روستاییان به مراتع است (موسوی، ۱۳۸۲). البته، کوچ فقط به دلایل اکولوژیک صورت نمی‌گیرد. دوری از خشکی و بیماری‌های دام، اختلاف و تضاد، دسترسی به منابع جدید و داد و ستد می‌توانند دلیل کوچ باشند (یو.ان.دی.پی، ۲۰۰۳: ۴)؛ اما در مجموع، کوچ نوعی سازمان اجتماعی-اکولوژیکی (نودرت، ۲۰۱۰، ۲) و یک راه‌حل انعطاف‌پذیر در استفاده از منابع متغیر محسوب می‌شود (آدریانسن و نیلسن، ۲۰۰۲: ۲۱۶). همچنین، علت اصلی کوچ را می‌توان در افزایش بهره‌وری دامداری، استفاده بهتر از آب و چراگاه‌های طبیعی (جود، ۲۰۱۰: ۱۱) و مدیریت بهتر خطرپذیری (ریسک) در مناطق خشک جستجو کرد (مک‌آلیستر، ۲۰۱۰: ۳۷).

در گذشته نه چندان دور، کوچ عشایر بر اساس یک برنامه زمانبندی در ساختار قدرت ایلی تنظیم می‌شد و بدین شکل، بهترین زمان مناسب حرکت خانوارها و دام‌های عشایر از مناطق قشلاقی به مناطق ییلاقی و برعکس، با توجه به تجربه و دانش بومی تدوین می‌شد که طی قرن‌ها به‌دست آمده بود. به همین علت، تنظیم زمان مناسب حرکت و شروع کوچ عشایر معمولاً توسط بزرگان ایل، مانند: خان، کلانتر و کدخداها انجام می‌پذیرفت و خانوارهای عشایر ایل تنها مجاز بودند در این زمان اقدام به جابه‌جایی و کوچ نمایند؛ اما در سال‌های اخیر، کوچ عشایر بین قشلاق و ییلاق دچار آشفتگی شده است. از آنجا که زمان انجام کوچ و به تبع آن، زمان ورود عشایر به همراه دام‌ها به مراتع ییلاقی و قشلاقی در مدیریت صحیح مراتع از اهمیت زیادی برخوردار است، این بی‌نظمی می‌تواند پیامدهای مختلفی هم بر زندگی عشایر و هم بر پایداری و سلامت مراتع داشته باشد. به همین علت، تلاش زیادی از سوی دولت انجام می‌شود تا کوچ عشایر به نحوی سامان یابد که با معیارهای حفاظت از مراتع سازگار باشد.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-02]

یکی از مهمترین دلایل بی‌نظمی موجود در کوچ عشایر، نبود ساختار اجتماعی مشخص در میان عشایر است. در واقع، عشایر با سه عنصر؛ یعنی عنصر قبیله‌ای (به عنوان سازمان اجتماعی)، عنصر کوچ‌نشینی (به عنوان شیوه معیشت) و عنصر دامداری (به عنوان شیوه تولید) شناخته می‌شوند (شهبازی، ۱۳۶۹: ۲۵). امروزه، ساختار اجتماعی عشایر دچار تغییرات شدیدی شده و عشایر کوچنده را با ناهماهنگی‌ها و پس‌افتادگی‌های فرهنگی زیادی مواجه کرده است (نیک‌خلق، ۱۳۸۳، ۱۰). درواقع، رواج پدیده مُدرنیسم به فروپاشی نظام قبیله‌ای و پیامدهای بعدی مانند مشکلات مربوط به ایل‌راه‌ها و اتراق‌گاه‌های عشایری منجر شد (بهشتی، ۱۳۷۷: ۸۶). به این ترتیب و با از بین رفتن عنصر اول؛ یعنی عنصر قبیله‌ای، نه تنها عناصر دیگر مانند کوچ‌نشینی تحت تأثیر قرار گرفتند، بلکه موجب شد عشایر کارکرد گذشته و بسیاری از نقش‌های سنتی خود در جامعه ایران را از دست بدهند. در این شرایط و با نبود ساختار ایلی از یک طرف و بروز تحوّلات اجتماعی-اقتصادی از طرف دیگر، عرصه زندگی به سبک سنتی بر عشایر تنگ‌تر شده است؛ برای مثال، یک مطالعه انجام شده در استان آذربایجان شرقی نشان داده است که روز به روز شیوه کوچ عشایر از روش سنتی به شیوه ماشینی تبدیل می‌شود و تقریباً نقل و مکان سنتی خانوارهای عشایری از قشلاق به ییلاق و برعکس، در حال منسوخ شدن است (بهشتی، ۱۳۷۷: ۱۰۷). دلایل دیگر را می‌توان در از بین رفتن مراتع میان‌بند، نبود اطمینان خاطر از حفظ و نگهداری مراتع قطب مخالف (به ویژه مراتع ییلاقی)، بسته شدن ایل‌راه‌ها و تخریب و تصرف اراضی مسیر کوچ، مشکلات حمل و نقل دام، ازدیاد دام و نبود تعادل بین دام و مرتع و در نتیجه، کمبود علوفه جستجو کرد. همچنین، تصرف مراتع و گذرگاه‌های کوچ عشایر موجب شده است تا عشایر زمان ماندن در قشلاق را کوتاه‌تر کنند و در زمان نامناسب مانند فروردین و حتی اسفند به سمت مراتع ییلاقی حرکت نمایند (زند رضوی، ۱۳۷۱). به همین دلیل، بهره‌برداری رقابتی از مراتع شدیداً در بین عشایر رواج یافته و تنظیم زمان کوچ مناسب به صورت یک چالش درآمده است.

در مجموع، سیر تحولات رُخ داده در زندگی عشایر نه فقط موجب تضعیف فرهنگ مرتعداری در بین آنان شده است (ترکان، ۱۳۸۴: ۸۸)، بلکه کوچ‌نشینی را به عنوان یک شیوه معیشت تحت تأثیر قرار داده است؛ به طوری که برخی معتقدند فروپاشی نظام ایلی و توسعه شهرنشینی مانع از ادامه حیات شیوه دامداری کوچندگی است (بخشنده‌نصرت، ۱۳۷۴). آمارها نیز بیانگر کاهش نسبی جمعیت عشایر در کشور است. در نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی، حدود ۲۵ تا ۵۰ درصد جمعیت ایران را عشایر تشکیل می‌دادند (شهبازی، ۱۳۶۹). طبق آمار سال ۱۲۶۰ شمسی، این میزان به ۲۵ درصد و در سال ۱۳۶۰ به ۲/۹۵ درصد رسیده است. طبق سرشماری سال ۱۳۸۷، جمعیت عشایر کشور ۱۱۸۶۸۳۰ نفر در قالب ۲۱۲۶۶۰ خانوار بوده است. این جمعیت نسبت به سرشماری سال ۱۳۷۷، ۹ درصد کاهش را نشان می‌دهد. در سال ۱۳۸۷، جمعیت عشایر کوچنده ییلاقی استان فارس برابر ۱۳۲۲۷۲ نفر گزارش شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸). علی‌رغم کاهش نسبی تعداد عشایر، معیشت‌های مبتنی بر کوچ و شیوه تولید متکی بر دامداری هنوز در کشور وجود دارند و به رسمیت شناخته می‌شوند؛ به طوری که سازمان امور عشایر متولی رسیدگی به امور این بخش از جامعه و خدمت‌رسانی به آنهاست.

اما چرا کوچ زودرس پدیده‌ای نامناسب محسوب می‌شود؟ یکی از دلایل، تأثیر مُخرب این پدیده بر مراتع کشور است. مراتع از ویژگی‌هایی، مانند: گوناگونی و پراکندگی، وابستگی به الگوهای فصلی، متفاوت بودن در طی زمان و غیرقابل پیش‌بینی بودن از نظر اقلیمی برخوردارند (نُری، ۲۰۰۷: ۴). به همین دلیل، استفاده مناسب از مراتع نیازمند

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-02]

مدیریت صحیح چرای دام است. در علم مرتعداری، زمان ورود و خروج دام به مرتع باید هنگامی باشد که گیاهان به حداکثر رشد و تولید خود رسیده باشند تا ضمن به حداقل رسیدن آسیب‌پذیری پوشش گیاهی، علوفه بیشتری در اختیار دام قرار گیرد. در این هنگام، چنانچه گیاهان به بذر نشسته باشند، حرکت دام در مرتع به پراکنده شدن بذر و مخلوط شدن با خاک کمک می‌کند. بدین ترتیب، بذور گیاهان شرایط مناسب‌تری برای رشد در فصل مناسب خواهند داشت. با افزایش پوشش گیاهی مرتع، فرسایش خاک کمتر می‌شود و نفوذ آب در خاک نیز تسهیل خواهد شد. تجربه عملی درباره رعایت طول مدت بهره‌برداری و زمان ورود و خروج دام به مرتع نشان داده است که این روش یکی از ارزان‌ترین و مؤثرترین راه‌های بهبود وضعیت کمّی و کیفی پوشش گیاهی است؛ به طوری که اجرای مناسب زمان ورود و خروج دام در مراتع ییلاقی می‌تواند سالانه حداقل ۲۰ درصد به تولید مرتع و در همین حدود به پوشش گیاهی آن بیفزاید (صباحی، ۱۳۷۹)؛ اما ورود نابهنگام دام به مرتع و چرای بدون برنامه زمان‌بندی، از طریق چرای زودرس گیاهان به کیفیت و سلامت مرتع آسیب خواهد رساند.

از دلایل دیگر می‌توان به پیامدهای اجتماعی کوچ زودرس اشاره کرد. معمولاً در گذشته، ایل‌های عشایری زمان کوچ خود را به نحوی تنظیم می‌کردند که در مسیر به یکدیگر برخورد نکنند و از این نظر کمترین مزاحمت برای یکدیگر داشته باشند. با نابسامانی زمان کوچ، احتمال برخورد عشایر با یکدیگر در طول مسیر افزایش یافته است که خود می‌تواند موجب درگیری و نزاع بین عشایر شود. همچنین، بدون یک جدول زمانی مناسب برای کوچ، خدمت‌رسانی به عشایر مشکل می‌گردد؛ برای مثال، ارائه خدمات آموزشی مانند تشکیل کلاس‌های درس برای فرزندان عشایر منوط به دانستن این است که خانوارهای عشایر در چه موقع در کجا هستند. این موضوع برای ارائه خدمات دیگر مانند: خدمات دامپزشکی، بیمه‌دام، تأمین آب شرب و تأمین سوخت‌های فسیلی مانند نفت و گاز نیز صادق است. از دیگر پیامدهای نابسامانی کوچ، کاهش کوچ دسته‌جمعی و افزایش کوچ انفرادی در بین خانوارهای عشایری است. از آنجا که عشایر در مسیر کوچ با خطرهای طبیعی و انسانی روبه‌رو هستند، کوچ انفرادی می‌تواند موجب افزایش میزان خطرپذیری (ریسک) کوچ برای عشایر گردد؛ برای مثال، می‌توان به افزایش احتمال دزدیده شدن دام عشایر و یا بروز خطرات امنیتی برای آنان اشاره کرد.

با توجه به موارد یاد شده، ضرورت ساماندهی کوچ عشایر به نحوی که با معیارهای پایداری اکولوژیکی و اجتماعی سازگار باشد، بیش از پیش احساس می‌شود. در این راستا، شناسایی و تحلیل مهمترین عوامل مؤثر بر کوچ زودرس عشایر می‌تواند شناخت بهتری از وضعیت موجود کوچ به‌دست دهد. پژوهش حاضر با این هدف و درباره عشایر استان فارس انجام شده است.

داده‌ها و روش پژوهش

این پژوهش به روش تحقیق پیمایشی[۱] انجام شده است. در این راستا، از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای[۲] استفاده شد. بدین منظور، ابتدا با بررسی منابع مختلف، طوایف و تیره‌های مختلف عشایر در استان فارس شناسایی گردیدند

۱ -Survey Research

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-02]

(موستوفی الممالکی، ۱۳۷۷؛ نجفی، ۱۳۸۰). به‌طور کلی، سه ایل عشایری به نام‌های ایل قشقایی، ایل خمسه و ایل ممسنی در استان فارس مستقر هستند. ایل قشقایی از ۶ طایفه و ۲۰۳ تیره، ایل خمسه از ۵ طایفه و ۱۲۵ تیره و ایل ممسنی از ۴ طایفه و ۲۴ تیره تشکیل شده است. در مرحله بعد، ۱۰درصد تیره‌های هر طایفه از هر ایل، به طور تصادفی انتخاب شدند. بدین منظور، به طور تصادفی ۲۰ تیره از ایل قشقایی، ۱۲ تیره از ایل خمسه و ۳ تیره از ایل ممسنی انتخاب شدند (جدول ۱). آنگاه در هر تیره به صورت تصادفی، ۷ خانوار عشایری انتخاب شدند. بدین ترتیب، در این مطالعه، ۲۴۵ خانوار از ۳۵ تیره عشایر، حجم نمونه پژوهش را تشکیل دادند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، شامل پرسشنامه منظم حاوی سؤال‌های بسته و تعدادی سؤال‌ها باز بود. روایی صوری[۳] پرسشنامه توسط متخصصان تأیید شد. پایایی[۴] نیز با انجام یک مطالعه راهنما[۵] در بین عشایر خارج از محدوده مطالعه اصلی، آزمون شد. پرسشنامه‌ها از طریق مصاحبه حضوری با سرپرست خانوارهای عشایری تکمیل شد. در مجموع و با این روش، ۲۴۸ پرسشنامه تکمیل گردید. متغیر وابسته در این تحقیق عبارت از تعداد روزهایی است که عشایر زودتر از موعد توصیه شده وارد مراتع ییلاقی می‌شوند. شایان ذکر است که از طرف ستاد کوچ استان فارس، تاریخ توصیه شده برای ورود دام به مراتع ییلاقی، ۲۵ اردیبهشت است. متغیرهای مستقل مورد بررسی عبارتند از: شرایط کوچ دام (شامل: نوع کوچ دام، طول مسیر کوچ، مدت زمان طی مسیر کوچ)، ویژگی‌های فردی عشایر (سن، سطح تحصیلات، بُعد خانوار)، ویژگی‌های اقتصادی عشایر (تعداد دام، تعداد حیوان باربر، میزان اجاره مرتع، نوع سرپناه، تعداد وسیله نقلیه).

جدول ۱) نام طایفه‌ها و تیره‌های مورد مطالعه

نام طایفه	نام تیره‌های انتخابی
ایل قشقایی	
کشکولی بزرگ	آرخلو، گشتاسبی، بیگدلی، دیزجانی، غوری
کشکولی کوچک	لَک
عمله	صفی‌خانی، گله‌زن، نمدی، گورکانی، طیبی
فارسیمدان	قره میرشاملو، توابع
دره شوری	خیراتلو، چهاربنجه‌بزرگ، جانبازلو، قره‌قانی، عثمانلو
شش بلوکی	کوهی، دوقزلو
ایل خمسه	
اینالو	بیات، دیندارلو
باصری	لبوموسی، علی‌شاه‌قلی
بهارلو	صفی‌خانی، سلیمانی
عرب (جباره و شیبانی)	یوزباشی، لبردانی، میرکی، عبدالیوسفی
نفر	کردشولی، سنجرلو
ایل ممسنی	
جاوید	احمد هارونی
دشمن‌زیاری	کله سیاهی
بَکِش	عمله آل‌امیر
رستم	بهمن‌یاری

۲-Cluster Random Sampling

۳- Face Validity

۴- Reliability

۵- Pilot Study

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-02]

یافته‌های پژوهش

مشخصات عمومی عشایر مورد مطالعه

یافته‌ها نشان می‌دهند میانگین سن پاسخگویان برابر ۵۰/۶ سال است. همچنین، میانگین بُعد خانوار برابر ۶/۹۵ نفر، میانگین دام (گوسفند و بز) برابر ۲۲۴ رأس و میانگین طول مسیر کوچ عشایر برابر ۳۴۰/۵ کیلومتر است که به طور متوسط آن را در ۲۲/۲ روز می‌پیمایند. بدین ترتیب، سرعت کوچ قشلاق به ییلاق به‌طور متوسط برابر ۱۵/۳ کیلومتر در روز است. یافته‌ها نشان می‌دهد عشایر مورد مطالعه از نظر سطح تحصیلات در وضع مناسبی به سر نمی‌برند؛ به طوری که بیش از نیمی از آنان بی‌سواد هستند و سواد نزدیک به یک پنجم نیز در حدّ خواندن و نوشتن است (جدول ۲).

جدول ۲) مشخصات عمومی عشایر مورد مطالعه

مشخصات	گروه‌ها	درصد
سن (سال)	۲۲-۳۵	۱۱/۵
	۳۶-۵۵	۵۷/۴
	>=۵۶	۲۹/۵
	بدون جواب	۱/۶
سطح تحصیلات	بی‌سواد	۵۳/۶
	خواندن و نوشتن	۱۹/۸
	ابتدایی	۱۲/۱
	راهنمایی	۸/۱
	دبیرستان	۴/۴
	فوق‌دیپلم	۰/۸
	بدون جواب	۱/۲
بُعد خانوار (نفر)	۲	۳/۳
	۳-۵	۲۹/۱
	>=۶	۶۷/۶
تعداد دام (گوسفند و بز)	۲۰-۵۰	۲
	۵۱-۱۰۰	۱۱/۷
	۱۰۱-۱۵۰	۱۸/۲
	۱۵۱-۲۰۰	۸/۴
	۲۰۱-۳۰۰	۴۱/۲
	>=۳۰۱	۱۸/۵
نوع کوچ دام (قشلاق به ییلاق)	پیاده	۸۶/۷
	با ماشین	۱۰/۱
	پیاده+ماشین	۲/۸
	بدون جواب	۰/۴
طول مسیر کوچ (کیلومتر)	۳۰-۱۰۰	۳/۳
	۱۰۱-۳۰۰	۳۸/۴
	۳۰۱-۵۰۰	۵۴/۲
	>=۵۰۱	۴/۱
	بدون جواب	۲/۴
نوع سرپناه در قشلاق	چادر	۹۸/۸
	خانه	۰/۸
	هردو	۰/۴
نوع سرپناه در ییلاق	چادر	۹۵/۲
	خانه	۴/۴

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-02]

	هردو	۰/۴

وضعیت کوچ بهاره

برای بررسی کوچ بهاره عشایر (قشلاق به ییلاق) نیاز به دانستن اطلاعات درباره سه متغیر است: اول، زمان ترک مراتع قشلاقی و شروع کوچ به سمت ییلاق؛ دوم، مدت زمان طی مسیر کوچ از قشلاق به ییلاق؛ سوم، زمان مجاز ورود دام به مراتع ییلاقی (طبق اعلام ستاد کوچ فارس، عشایر مجازند از تاریخ ۲۵ اردیبهشت وارد مراتع ییلاقی استان شوند). یافته‌ها نشان می‌دهند زمان شروع کوچ عشایر فارس از ۱۰ اسفندماه آغاز می‌شود و تا ۱۹ خرداد ادامه داشته است. همچنین، به‌طور میانگین تاریخ شروع کوچ بهاره عشایر از ۲۰/۹ روز بعد از اول فروردین؛ یعنی حدود ۲۱ فروردین ماه آغاز شده است (جدول ۳).

جدول ۳) توزیع پراکندگی نمونه‌های مورد مطالعه برحسب تاریخ شروع کوچ بهاره

کوچ بهاره (قشلاق به ییلاق)	روز شروع*	ادامه تا	میانگین	انحراف معیار
	-۱۹	۸۱	۲۰/۹	۲۰

مبدأ محاسبه روز شروع و ادامه کوچ، اول فروردین‌ماه و با احتساب اسفند ۲۹ روزه است

با دانستن این اطلاعات می‌توان مدت زمان ورود زودهنگام به مراتع ییلاقی را محاسبه کرد. به منظور محاسبه تاریخ ورود دام عشایر کوچرو به مراتع ییلاقی از فرمول زیر استفاده شد. شایان ذکر است مبدأ محاسبه اول فروردین‌ماه در نظر گرفته شده است.

مدت زمان طی مسیر کوچ از قشلاق به ییلاق+ تاریخ شروع کوچ از قشلاق به ییلاق = تاریخ ورود دام به مراتع ییلاقی

بدین ترتیب، هر چه تفاوت عدد محاسبه شده برای تاریخ ورود دام به مراتع ییلاقی، با تاریخ مجاز اعلام شده برای ورود دام به مراتع، بیشتر باشد، به این معنی است که عشایر زودتر وارد مراتع شده و به اصطلاح کوچ زودرس داشته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند مدت زمان طی مسیر کوچ عشایر از ۱ تا ۶۰ روز متغیر است و میانگین آن برابر ۲۲/۲ است. این در حالی است که بر اساس فرمول بالا، عشایر از ۱۷ اسفندماه تا ۱۳ تیرماه وارد مراتع ییلاقی شده‌اند و متوسط آن برابر ۱۲ اردیبهشت‌ماه است (جدول ۴). جدول (۵) میزان زمان ورود زودهنگام عشایر را بر حسب تفاوت تاریخ ورود آنان به مراتع ییلاقی و تاریخ مجاز ورود دام به این مراتع را نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌ها، عشایر حداکثر ۶۸ روز زودتر و حداکثر ۵۰ روز دیرتر از تاریخ مجاز (۲۵ اردیبهشت) وارد مراتع ییلاقی می‌شوند. میانگین زمان ورود زودهنگام عشایر مورد مطالعه به مراتع ییلاقی برابر ۱۲/۸۴ روز به‌دست آمد که نشان می‌دهد عشایر کوچرو به طور متوسط نزدیک به ۱۳ روز زودتر از موعد مجاز وارد مراتع ییلاقی می‌شوند.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-02]

جدول ۴) زمان ورود عشایر به مراتع ییلاقی

تاریخ ورود	میانگین	میانه	نما	انحراف معیار
	۴۲/۱۶	۴۲	۴۵	۲۴/۱۱

مبدأ محاسبه اول فروردین‌ماه است

جدول ۵) میزان ورود زودهنگام عشایر به مراتع ییلاقی

میزان ورود زودهنگام	میانگین	میانه	نما	انحراف معیار
	۱۲/۸۴	۱۳	۱۰	۲۴/۱۲

بر حسب روز

رابطه ورود زودهنگام به مراتع ییلاقی و شرایط اجتماعی- اقتصادی عشایر

برای بررسی ارتباط بین میزان ورود زودهنگام عشایر به مراتع ییلاقی و ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی آنان، به محاسبه ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها و تحلیل واریانس بین گروه‌های مختلف عشایر اقدام گردید. همان‌طور که جدول(۶) نشان می‌دهد، از بین متغیرهای مورد بررسی، طول مسیر کوچ و مدت زمان طی مسیر کوچ، دارای ارتباط منفی و معنی‌دار با میزان ورود زودهنگام عشایر به مراتع ییلاقی هستند. به بیان دیگر، هر چه طول مسیر کوچ و یا مدت زمان طی مسیر کوچ افزایش یابد، از میزان ورود زودهنگام به مراتع ییلاقی کاسته می‌شود؛ اما بین میزان اجاره مرتع در ییلاق با ورود زودهنگام عشایر به مراتع ییلاقی یک رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد؛ بدین معنی که هر چه عشایر در ییلاق میزان مرتع بیشتری را اجاره کنند، در هنگام کوچ نیز زودتر وارد مراتع ییلاقی می‌شوند و برعکس.

جدول ۶) همبستگی میزان ورود زودهنگام به مراتع ییلاقی با برخی متغیرهای اجتماعی- اقتصادی عشایر

متغیر	**ضریب همبستگی** (r)	**سطح معنی‌داری** (sig.)
سن (سال)	-۰/۰۱۷	۰/۳۹۸
تعداد دام (رأس)	۰/۱۰	۰/۰۶۶
تعداد حیوان باربر (رأس)	۰/۰۰۹	۰/۴۴۵
بُعد خانوار (نفر)	۰/۰۶۸	۰/۱۵۵
طول مسیر کوچ (کیلومتر)	-۰/۳۵	۰/۰۰۰
مدت زمان طی مسیر کوچ (روز)	-۰/۵۹	۰/۰۰۰
میزان اجاره مرتع در قشلاق (هکتار)	۰/۰۴۳	۰/۲۵۵
میزان اجاره مرتع در ییلاق (هکتار)	۰/۲۰	۰/۰۰۱

مقایسه ایل‌های عشایری فارس از نظر میزان ورود زودهنگام به مراتع ییلاقی نشان می‌دهد، عشایر ایل ممسنی به طور متوسط بسیار بیشتر از دو ایل دیگر (یعنی حدود ۴۱ روز) زودتر از موعد مقرر وارد مراتع ییلاقی می‌شوند و ورود زودهنگام به مراتع ییلاقی در بین آنان بسیار شایع و زیاد است. این میزان برای عشایر ایل قشقایی حدود ۱۷ روز و برای

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-02]

عشایر ایل خمسه حدود ۲ روز است. این نشان می‌دهد عشایر ایل خمسه بیش از دو ایل دیگر، زمان مقرر برای ورود به مراتع ییلاقی را مراعات می‌کنند. همچنین، نوع کوچ دام می‌تواند در میزان ورود زودهنگام به مراتع ییلاقی مؤثر باشد؛ به طوری که عشایری که دام‌های آنان به صورت پیاده و یا بخشی از آنها به صورت پیاده و بخشی دیگر با ماشین مسیر کوچ را طی می‌کنند، با عشایری که دام‌های خود را صرفاً با ماشین جابه‌جا می‌کنند، از نظر آماری تفاوت معنی‌داری در میزان ورود زودهنگام به مراتع ییلاقی دارند و گروه اخیر، بسیار بیشتر از دو گروه دیگر(حدود ۳۳ روز) زمان مقرر برای ورود به مراتع ییلاقی را نادیده می‌گیرند. این یافته نشان می‌دهد جابه‌جایی دام فقط با استفاده از ماشین می‌تواند اثر زیادی در ورود زودهنگام دام به مراتع ییلاقی داشته باشد؛ اما از نظر برخورداری از سواد، تفاوتی از نظر میزان زمان ورود زودهنگام آنان به مراتع ییلاقی وجود ندارد[۶] (جدول ۷).

جدول ۷) مقایسه عشایر کوچرو از نظر نوع ایل، نوع کوچ دام و سواد در ارتباط با میزان ورود زودهنگام به مراتع ییلاقی

متغیر	سطوح متغیر	میانگین*	F	Sig.
ایل	قشقایی	۱۷/۴۶[a]	۱۴/۳۲	۰/۰۰۰۰
	خمسه	۲/۱۴[b]		
	ممسنی	۴۱/۴۲[c]		
نوع کوچ دام	پیاده	۱۰/۶۹[a]	۱۰/۴۳	۰/۰۰۰۰
	با ماشین	۳۳/۳۷[b]		
	پیاده+ماشین	۸/۱۴[ac]		
سواد	بی‌سواد	۱۲/۱۰	۰/۷۰	۰/۴۸۲
	باسواد	۱۴/۶۰		

* میانگین ورود زودهنگام به مراتع ییلاقی بر حسب روز میانگین‌های دارای حروف لاتین مشابه با یکدیگر تفاوت معنی‌داری ندارند

کوچ جمعی یا انفرادی

نتایج نشان می‌دهند ۸۷/۹ درصد عشایر، کوچ خود را به همراه سایر خانوارهای عشایری و به‌صورت دسته‌جمعی انجام می‌دهند و تنها ۸/۱ درصد آنان به صورت انفرادی کوچ می‌کنند (جدول ۸). اگرچه کوچ جمعی بهتر می‌تواند به افزایش امنیت عشایر کوچنده کمک نماید؛ اما یافته‌های مطالعه حاضر نشان می‌دهد حدود ۸۵ درصد از عشایر امنیت خود را در هنگام کوچ در حد خیلی کم و کم ارزیابی کرده و ۶۵/۳ درصد از آنان به طور متوسط ۲/۲ بار در سه سال گذشته مورد سرقت دام قرار گرفته‌اند.

تصمیم برای آغاز کوچ

۶- شایان ذکر است در مطالعه حاضر به ویژگی‌های دیگر عشایر، مانند: داشتن چوپان، قرقبان، زراعت، باغ، طرح مرتعداری و شغل دوم پرداخته شد؛ اما به علت برخورداری تعداد کمی از عشایر مورد مطالعه (کمتر از ۳۰ نفر) از ویژگی‌های مذکور، این پارامترها از نظر آماری قابل استفاده در آمار استنباطی مانند تحلیل واریانس در مقایسه میانگین‌ها نبودند.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-02]

از پاسخگویان خواسته شد بیان کنند برای آغاز زمان کوچ به چه صورت تصمیم می‌گیرند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد ۵/۲ درصد از عشایر مورد مطالعه برای زمان آغاز کوچ خود به‌صورت شخصی و انفرادی تصمیم می‌گیرند؛ درحالی‌که ۸۷/۱ درصد آنان این تصمیم را به صورت گروهی با سایر خانوارها و ۷/۳ درصد این تصمیم را با مشورت با ریش‌سفیدان اتخاذ می‌کنند (جدول ۸).

مشکل گیاه بهمن در مراتع قشلاقی

یکی از عواملی که می‌تواند در قشلاق برای دام‌های عشایر ایجاد مشکل و مزاحمت کند و موجبات تسریع و جلو افتادن تاریخ کوچ آنان را فراهم آورد، وجود گیاه بهمن[۷] در مراتع قشلاقی است. این گیاه در اواخر دوره رشد خود می‌تواند موجب صدمه زدن به دهان دام و یا فرورفتن در سُم یا پوست دام شود و بدین ترتیب دام را مجروح نماید. بنابراین، از عشایر مورد مطالعه سؤال شد آیا با مشکل گیاه بهمن در مراتع قشلاقی مواجه هستند یا خیر و در صورت مثبت بودن جواب، این مشکل باعث می‌شود چند روز زودتر از آنچه که قادر به ماندن در قشلاق بوده‌اند، کوچ خود را به سمت ییلاق آغاز کنند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد ۹۰/۳ درصد عشایر مورد مطالعه در قشلاق با مشکل گیاه بهمن مواجه‌اند و این مشکل به‌طور متوسط باعث می‌شود آنان ۱۸ روز زودتر اقدام به آغاز کوچ به سمت مراتع ییلاقی نمایند (جدول ۸).

جدول ۸) توزیع عشایر مورد مطالعه برحسب نوع کوچ، نوع تصمیم کوچ و مشکل گیاه بهمن

موارد	پاسخ‌ها	درصد
نوع کوچ	دسته‌جمعی	۸۷/۹
	انفرادی	۸/۱
	بدون جواب	۴
نوع تصمیم کوچ	شخصی	۵/۲
	گروهی با سایر خانوارها	۸۷/۱
	مشورت با ریش سفیدان	۷/۳
	بدون جواب	۰/۴
وجود مشکل گیاه بهمن	بلی	۹۰/۳
	خیر	۸/۱
	بدون جواب	۱/۶

تأثیر خشکسالی و ترسالی بر تاریخ شروع کوچ

به منظور بررسی تأثیر خشکسالی‌ها یا ترسالی‌ها بر تاریخ شروع کوچ از قشلاق به ییلاق، از عشایر در این باره سؤال شد. نتایج نشان می‌دهند عشایر در سال‌های خشکسالی به‌طور متوسط ۲۵/۷ روز زودتر از قشلاق به ییلاق (در مقایسه با سال‌های عادی) کوچ خود را آغاز می‌کنند. در مقابل، اگر ترسالی اتفاق افتد، عشایر ۲۲/۲ روز دیرتر از قشلاق به ییلاق

۷-Stipa capensis

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-02]

(در مقایسه با سال‌های عادی) کوچ خود را شروع می‌کنند. به این ترتیب، می‌توان میزان تأثیر و اهمیت خشکسالی‌ها و یا ترسالی‌ها بر تاریخ آغاز کوچ عشایر استان فارس را بهتر درک کرد (جدول ۹).

جدول۹) میزان تأثیر خشکسالی یا ترسالی بر تغییر تاریخ آغاز کوچ قشلاق به ییلاق

موارد	میانگین	نما	میانه	انحراف استاندارد
خشکسالی				
جلو افتادن کوچ (روز)	۲۵/۷	۳۰	۳۰	۸/۵
ترسالی				
تأخیر افتادن کوچ (روز)	۲۲/۲	۳۰	۲۰	۸/۴

مهمترین عوامل کوچ زودرس از دید عشایر

برای بررسی این موضوع از عشایر مورد مطالعه خواسته شد تا پنج عامل مهم در کوچ زودرس از قشلاق به ییلاق را به ترتیب اهمیت شماره‌گذاری کنند. این پنج مورد عبارتند از: ۱- گرمای بیش از حدّ؛ ۲- کمبود علوفه؛۳ -کمبود آب؛ ۴- مدرسه بچه‌ها و ۵- حرکت سایر دامداران. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد عشایر مورد مطالعه، اولویت اول را به ترتیب به کمبود آب، کمبود علوفه، گرمای بیش از حدّ، حرکت سایر دامداران و مدرسه بچه‌ها داده‌اند (جدول ۱۰). شایان ذکر است که زمان کوچ بدین دلیل می‌تواند از مدرسه بچه‌ها تأثیر پذیرد که عشایر مجبورند زمان کوچ خود را به نحوی تنظیم کنند که بچه‌های آنان بتوانند بموقع و در مکان مناسب در کلاس‌های درس و یا مدارس حضور پیدا کنند.

جدول ۱۰) توزیع نظرهای عشایر مورد مطالعه بر حسب مهمترین عامل بروز کوچ زودرس

نام عامل	فراوانی ذکر شده	درصد
کمبود آب	۱۰۰	۴۰/۳
کمبود علوفه	۸۷	۳۵/۱
گرمای بیش از حدّ	۴۱	۱۶/۵
حرکت سایر دامداران	۱۱	۴/۴
مدرسه بچه‌ها	۵	۲

نتیجه‌گیری

کوچ و کوچ‌نشینی به عنوان یک روش زندگی و معاش و راه‌حلی برای سازگاری با طبیعت محسوب می‌شود. کوچ عشایر برای قرن‌ها به صورت پایدار و سازگار با محیط زیست در کشور ما وجود داشته است؛ اما با از بین رفتن یکی از ارکان سنتی جامعه عشایری؛ یعنی ساختار اجتماع ایلی، به نظر می‌رسد کوچ فعلی عشایر نه در راستای پایداری و حفظ منابع طبیعی باشد و نه زندگی و معاش توأم با رفاه و آسایش نسبی برای عشایر را به‌همراه داشته باشد. واقعیت این است که کوچ عشایر دچار نابسامانی است؛ به طوری که خانوارهای عشایری بدون هیچ محدودیت جدّی، قادر به جابه‌جایی در خارج از زمان مناسب و در طول سال هستند. بی‌نظمی کوچ عشایر نه‌تنها خدمات‌رسانی مناسب به آنها را دچار مشکل می‌کند، بلکه با ورود زودهنگام دام عشایر به مراتع، موجب مدیریت ناصحیح چرای دام در مرتع و در نهایت، تخریب

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-02]

مراتع می‌شود. از آنجا که عشایر برای گذران زندگی به دامداری متکی به مرتع وابسته‌اند، هرگونه آسیب به مراتع به معنای آسیب به منابع تولید و در نتیجه گسترش فقر در بین آنان است. به همین دلیل، امروزه تلاش زیادی برای ساماندهی به کوچ عشایر در حال انجام است تا آن را با معیارهای توسعه پایدار و از جمله پایداری اکولوژیک سازگار نماید. به همین دلیل، شناخت مهمترین عوامل ایجاد کوچ زودرس در بین عشایر می‌تواند اطلاعات مفیدی از وضعیت کوچ عشایر را در اختیار برنامه‌ریزان و متولیان امور عشایر بگذارد.

مطالعه حاضر نشان داد زمان شروع کوچ بهاره عشایر فارس از ۱۰ اسفندماه آغاز می‌شود و تا ۱۹ خرداد ادامه دارد و میانگین آن ۲۱ فروردین ماه است. این در حالی است که کوچ زودرس بهاره و ورود زودهنگام دام به مراتع ییلاقی در بین عشایر فارس عمومیت دارد و آنان به طور متوسط نزدیک به ۱۳ روز زودتر از تاریخ مقرر و مناسب وارد مراتع ییلاقی استان می‌شوند. از این نظر، عشایر کوچنده ایل ممسنی (با حدود ۴۱ روز)، ایل قشقایی (با حدود ۱۷ روز) و ایل خمسه (با حدود ۲ روز) به ترتیب، در رتبه‌های اول تا سوم جای می‌گیرند. اگرچه این تاریخ‌ها می‌توانند به عنوان مبنایی برای تعیین زمان آغاز کوچ عشایر فارس مدّ نظر قرارگیرند؛ اما باید توجه داشت که زمان کوچ تحت تأثیر علل مختلف و از جمله شرایط آب و هوایی است. از این‌رو، نیاز است در هر سال و با استفاده از برآوردهای مناسب، زمان کوچ عشایر و ورود آنان به مراتع ییلاقی پیش‌بینی شود.

پیشنهادها

۱-یافته‌ها نشان داد که اکثر عشایر به صورت پیاده کوچ می‌کنند و این روش در مقایسه با روش‌های دیگر (مانند کوچ با ماشین) می‌تواند به کاهش میزان ورود زودهنگام دام به مراتع ییلاقی بینجامد. به بیان دیگر، جابه‌جایی دام فقط با استفاده از ماشین می‌تواند اثر زیادی در افزایش ورود زودهنگام دام به مراتع ییلاقی داشته باشد. بنابراین، اندیشیدن تمهیدات مناسب مانند صیانت از ایل‌راه‌های عشایری و گماشتن قرقبان برای مراتع ییلاقی به منظور اطمینان از چرانده نشدن این مراتع توسط دیگر دامداران، هم می‌تواند به افزایش این نوع کوچ در بین عشایر بینجامد و هم عشایر فرصت استفاده از مراتع میان‌بند را بیشتر خواهند داشت که خود به افزایش زمان طی مسیر کوچ و در نتیجه، ورود بهنگام دام به مراتع ییلاقی کمک زیادی می‌نماید.

۲- نتایج مطالعه حاضر نشان داد که عشایر در هنگام کوچ احساس امنیت کافی ندارند. نبود امنیت در طی مسیر کوچ می‌تواند موجب اخلال در نظم کوچ شود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود سازمان‌های ذی‌ربط در افزایش تأمین امنیت کوچ عشایر تلاش بیشتری انجام دهند. در این راستا، ایجاد و تجهیز مراکز یا نقاطی در طول مسیر کوچ عشایر به عنوان اتراقگاه‌های موقت به منظور تأمین خدمات حمایتی دام، می‌تواند مفید باشد.

۳- با توجه به رایج بودن کوچ جمعی و تصمیم‌گیری گروهی برای این کار در بین عشایر، این زمینه فراهم است که با ارائه آموزش‌های ترویجی مناسب، بتوان در بین بنکوه‌های عشایری، تعدادی از خانوارها را با اهمیت و پیامدهای کوچ زودرس آشنا ساخت و با این کار این احتمال وجود دارد آنان در هنگام کوچ، سایر خانوارهای عشایری را به رعایت زمان ورود بموقع و مناسب به مراتع تشویق کنند. علاوه بر این، از این ظرفیت می‌توان در ایجاد تشکل‌های مناسب عشایری برای ساماندهی به کوچ استفاده کرد.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-02]

۴- نتایج بیانگر این است که غالب عشایر با مشکل گیاه بهمن در مراتع قشلاقی خود مواجه هستند و این مشکل باعث می‌شود آنان به‌طور متوسط ۱۸ روز زودتر مجبور به ترک مراتع قشلاقی و حرکت به سمت مراتع ییلاقی شوند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود مطالعات و اقدامات لازم برای کنترل گیاه بهمن در مراتع قشلاقی عشایر انجام پذیرد و آموزش‌های لازم در این‌باره به عشایر ارائه شود.

۵- نتایج نشان داد که از دید عشایر، مهمترین عامل در کوچ زودرس، ابتدا کمبود آب و دوم، کمبود علوفه است. از این‌رو، برای کاهش مشکل کوچ زودرس عشایر، لازم است ابتدا با روش‌های مناسب نسبت به تأمین آب مورد نیاز آنان اقدام گردد. این روش‌ها صرفاً روش‌هایی مانند آبرسانی با تانکر نیست، بلکه ترویج و بهینه‌سازی روش‌های بومی تأمین آب در مراتع مانند سطح صیقل، به دلیل سازگاری و پایداری آنها، باید مورد توجه باشند[۸]. همچنین، به دلیل اهمیت حفاظت و ارزش محیط‌زیستی مراتع در توسعه پایدار، جا دارد در سال‌های خشکسالی، بخشی از علوفه مورد نیاز دام‌های عشایر با قیمت مناسب در اختیار آنان گذاشته شود تا به کاهش میزان ورود زودهنگام دام به مراتع ییلاقی کمک نماید. این توصیه از این رو منطقی به نظر می‌رسد که برخی بررسی‌ها نشان داده است فقط ۴۵ درصد از نیاز غذایی دام عشایر از مرتع تأمین می‌شود و مابقی که ۸۵ درصد هزینه‌های عشایر را به خود اختصاص می‌دهد، از طریق علوفه دستی جبران می‌گردد (بخشنده‌نصرت، ۱۳۷۳: ۸۷).

۶- یافته‌ها نشان داد که اکثرعشایر مورد مطالعه، بی‌سواد یا کم سواد هستند. این واقعیت بیانگر وجود یک معضل اساسی در بین عشایر کوچنده است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود ضمن درنظرگرفتن این موضوع در ساماندهی کوچ عشایر، راهکارهای کاهش بی‌سوادی در بین عشایر اندیشیده شود.

تشکر و قدردانی

هزینه انجام این پژوهش را دفتر فنّی مرتع سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور تأمین کرده است.

منابع

۱- امان‌الهی‌بهاروند، اسکندر .(۱۳۹۲). *کوچ نشینی در ایران، پژوهشی درباره عشایر و ایلات*، شیراز: انتشارات آگاه.

۲- ـــــــــــــــــ .(۱۳۸۳). زوال کوچ نشینی در ایران: یکجانشینی ایلات و عشایر، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال ۵، ش ۱، ص ۱۸۳-۱۵۵.

۳- بخشنده‌نصرت، عباس .(۱۳۷۴). زمینه‌های اشتغال در اسکان عشایر، *مجله دانشکده ادبیات*، ش ۶،۷،۸، ص ۲۲۳-۲۰۷.

۸- برای نمونه، می‌توان به مقاله «بررسی و بهینه‌سازی سازه‌های بومی جمع‌آوری آب در مراتع خشک و نیمه‌خشک جغرافیایی استان فارس» اشاره کرد که در آن مهمترین روش‌های بومی تأمین آب شرب انسان و دام در مراتع توضیح داده شده‌اند (شاه‌ولی و عابدی‌سروستانی، ۱۳۸۵).

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-02]

۴- بخشنده‌نصرت، عباس .(۱۳۷۳). ساماندهی تیپ‌های معیشت عشایر کوچنده، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ش ۳۵، ص ۱۰۲-۸۶.

۵- بهشتی، محمدباقر .(۱۳۷۷). دیدگاه عشایر آذربایجان شرقی در مورد کوچ و اسکان. *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، شماره۱۶۶، ص ۱۱۴-۸۳.

۶- ترکان، جواد .(۱۳۸۴). ضرورت تدوین برنامه ترویج مرتعداری به منظور بهره‌برداری اصولی عشایر از مراتع. *جهاد*، سال ۲۵، ش ۲۶۷، ص ۹۱-۸۷.

۷- زندرضوی، سیامک .(۱۳۷۱). ایلات و عشایر کرمان: ادامه روند کوچ یا اسکان. *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، ش۲، ص ۱۳۰-۱۱۲.

۸- شاه‌ولی، منصور و احمد عابدی‌سروستانی .(۱۳۸۵). بررسی و بهینه‌سازی سازه‌های بومی جمع‌آوری آب در مراتع خشک و نیمه‌خشک جغرافیایی استان فارس، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، سال ۲۱، ش ۱، ص۱۰۱-۷۴.

۹- شهبازی، عبدالله .(۱۳۶۹). *مقدمه ای بر شناخت ایلات و عشایر*، تهران: نشر نی. ۱۴۴ص.

۱۰-صباحی، اسداله .(۱۳۷۹). *نقش مدیریت چرا و زمان‌بندی کوچ عشایر در طرح تعادل دام و مرتع*، گزارش فنّی، اداره کل منابع طبیعی استان فارس.

۱۱-مستوفی‌الممالکی، رضا .(۱۳۷۷). *جغرافیای کوچ نشینی عمومی و ایران، با تأکید بر ایل قشقایی*، تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.

۱۲-مشیری، سیدرحیم .(۱۳۷۲). *جغرافیای کوچ نشینی (مبانی و ایران)*، تهران: سمت.

۱۳-نجفی، علی‌محمد .(۱۳۸۰). *وقایع ایلات خمسه: پژوهشی در تبارشناسی ایل عرب جباره و شیبانی*، تهران: مؤسسه فرهنگی همسایه.

۱۴-نیک‌خلق، علی‌اکبر .(۱۳۸۳). جامعه‌شناسی جمعیت عشایر کوچنده‌ی ایران، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال پنجم، ش ۳، ص ۳۵-۹.

۱۵-نیک‌خلق، علی‌اکبر و عسکری‌نوری .(۱۳۷۷). *زمینه جامعه شناسی عشایر ایران*، تهران: انتشارات چاپخش.

۱۶-مرکز آمار ایران .(۱۳۸۸). *گزیده نتایج سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده کل کشور سال ۱۳۸۷*، تهران: مرکز آمار ایران.

۱۷-موسوی، سیدمحمد .(۱۳۸۲). *ابعاد، پیچیدگی‌ها و راهکارهای مدیریت مراتع روستایی در ایران*، گزارش داخلی منتشر نشده دفتر فنی مرتع، سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور.

18- Adriansen, H. K. and T.T. Nielsen. (2002), Going where the grass is greener: On the study of pastoral mobility in Ferlo, Senegal. *Human Ecology*, 30(2): 215-226.

19- Grahn, R. (2008), *The Paradox of Pastoral Vulnerability: From Poverty to Power*. Oxford: Oxfam.

20- Jode, H. (2010), *Modern and Mobile: The Future of Livestock Production in Africa's Drylands*. UK: International Institute for Environment & Development (IIED)

21- Neudert, R. (2010), *The paradox of pastoral land tenure: Are solutions with individualised tenure possible? A case study from Azerbaijan*. Proceedings of ISEE Conference: Advancing Sustainability in a Time of Crisis, 22-25 August, Oldenburg and Bremen, Germany.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-02]

22- Niamir-Fuller, M. (1999), *Managing mobility in African rangelands: The legitimization of transhumance*. London: Intermediate Technology Publications.
23- Nori, M. (2007), *Mobile livelihoods, patchy resources & shifting rights: Approaching pastoral territories*. Working Draft for Discussion, International Land Coalition.
24- McAllister, R.R.J. (2010), Livestock mobility in arid and semiarid Australia: escaping variability in space. *Pastoralism*, 1(1): 37-54.
25- UNDP. (2003), *Pastoralism and Mobility in Drylands*. New York: UNDP.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-02]

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-02]